

یادداشتی به قلم: اعظم موسوی

معلم، کنشگر خاموش

در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش که در آن، اهداف و چشم‌اندازهای تعلیم و تربیت بر شش ساحت: تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، تعلیم و تربیت اجتماعی و سیاسی، تعلیم و تربیت زیستی و بدنی، تعلیم و تربیت زیباشناختی و هنری، تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه‌ای، تعلیم و تربیت علمی و و فناوریانه، استوار است بر معلم‌محوری در رابطه با معلم و دانش‌آموز در عرصه تعلیم و تربیت تأکید و اجرای هر سیاست و برنامه‌ی نظری و عملی که این محوریت را مخدوش کند، منع شده است.

به گزارش گروه فرهنگ، هنر و رسانه پایگاه خبری گفتمان فارس، «اعظم موسوی» فعال فرهنگی در یادداشتی به عنوان «معلم، کنشگر خاموش» آورده است؛

در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش که در آن، اهداف و چشم‌اندازهای تعلیم و تربیت بر شش ساحت: تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، تعلیم و تربیت اجتماعی و سیاسی، تعلیم و تربیت زیستی و بدنی، تعلیم و تربیت زیباشناختی و هنری، تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه‌ای، تعلیم و تربیت علمی و و فناوریانه، استوار است بر معلم‌محوری در رابطه با معلم و دانش‌آموز در عرصه تعلیم و تربیت تأکید و اجرای هر سیاست و برنامه‌ی نظری و عملی که این محوریت را مخدوش کند، منع شده است.

در جای دیگری از سند تحول بر نقشش معلم و مربی به عنوان هدایت‌کننده و اسوهای امین و بصیر در فرآیند تعلیم و تربیت و مؤثرترین عنصر در تحقق مأموریت‌های نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی تأکید و تقویت شایستگی‌های حرفه‌ای و اعتقادی مدیران و معلمان و فراهم آوردن سازوکارهای اجرایی برای مشارکت فعال و مؤثر ایشان در برنامه‌های تربیتی و فعالیت‌های پرورشی مدارس مورد توجه قرار گرفته است.

اما آیا در نظام آموزشی ما، معلمان به عنوان سازندگان فعال آینده در صحنه فعالیت می‌کنند یا در قامت اجراکنندگان منفعل دستورات در مدرسه حاضر می‌شوند؟

آیا معلم معتقد است در جهان پست مدرن، هر اندیشه و نظری با ساخت‌شکنی مواجه است؟ در الگوی ارتباطی خود با جامعه مخاطب بازنگری کرده؟ از گفتار بسته استفاده می‌کند که در آن، مخاطب، مشارکت فعال ندارد یا به گفتگوی باز پایبند است که اجازه می‌دهد، مخاطب به جای تبدیل شدن به یک شنونده خاموش، گوینده‌ای منتقد و فعال باشد؟ اگر به اجتماعی بودن پدیده زبانی باور دارد به گفتگوی بی‌واسطه با دانش‌آموز روی می‌آورد؟

آیا معلم، در نقش کنشگری خود به دور از ساختارهای دست و پاگیر رسمی، سعی در یاددادن مهارت‌های زندگی به دانش‌آموزان دارد؟ با آنها گفتگو می‌کند؟ نقش مشاوره‌ای و مادرانه و پدرانه ایفا می‌کند؟ در برابر فشارهای اداری، انتظارات اولیای خانه، مدرسه و نظام آموزشی، از دانش‌آموز خلاق و ایده‌های خلاق‌تر خودش دفاع می‌کند؟ در برابر تنبیه سکوت نمی‌کند؟ دانش‌آموز را همچون فرزند و خواهر و برادر خود می‌داند؟ از روش‌های غیررسمی برای آموزش و آموختن استفاده می‌کند؟ اگر این‌طور است در پاسخ به عملکرد خود در برابر این نوع کنش‌هایی که سیستمی نیست، توان و تاب پاسخگویی و دفاع از عملکرد خود را دارد؟

اگر به این بیندیشد که در مدارس از معلم پرسشگر هم در کنار معلم سازگار، قدردانی می‌شود و جایش را در نظام ارزیابی باز کند، پس دست به خلق ایده و ابداع روش‌های نو آموزشی خواهد زد.

اما آیا به این حد از جسارت و شجاعت رسیده که با حذف تکلیف شب، فشار روانی را بین شاگردان کلاسش کم کند؟

توان آن را دارد تا خانواده‌ها را با شیوه‌های نوین تدریس آشنا کند؟ و این معلم کنشگر گرفتار در مجموعه پراکنده‌ای از مباحث متفاوت و متضاد، از دایره کلی تعاریف عبور می‌کند تا با خلاقیت و قوه ابداع، مباحث نو را بسط دهد و بذر اندیشه‌های نو را در اذهان بکارد؟

معلم کنشگر، جنبشی خاموش در کف مدرسه و کلاس درس است که تلاش می‌کند ذهن دانش‌آموز را متحول کند، ساختارها و روابط اجتماعی را تغییر دهد، منتقدی عادل باشد و به دنبال تغییر و دگرگونی مثبت با پرسشگری، خلاقیت، رعایت عدالت آموزشی، رفتاری و گفتاری، صدای رسای دانش‌آموزان باشد.

این معلم کنشگر مرزها را در می‌نوردد و در برابر این کنشگری به قیمت فرسودگی شغلی و حتی شاید طردشدگی، همچنان پایبند ایجاد جامعه نو، روابط تازه و آفرینش با تکیه بر همان ساحت‌های شش گانه تحول است.

معلم کنشگر فقط داستان‌ها را زندگی نمی‌کند؛ خود دست به نوشتن داستان زندگی می‌زند، علم را با دانش می‌آمیزد، دانستن را با شناختن گره می‌زند، خواستن را با داشتن پیوند می‌دهد تا به دانش‌آموز یاد بدهد که خودش را بشناسد، تجربه کند، درک کند و به معنا برسد.

او خوب می‌داند در سایه این آموزش‌های غیررسمی و مهارت‌آموزی، موقعیت‌های یاددهی به یادگیری می‌انجامد، معنا منتقل می‌شود، انگیزه‌ها در بین

دانش‌آموزان تقویت، پیام ارسال و هدف که همان آموختن و به‌کارگیری علم و دانش در زندگی و اجتماع است، محقق می‌شود.

ما نیز در قامت معلم باید از خودمان شروع کنیم؛ تغییرات حتی کوچک را رقم بزنیم، شبکه‌سازی کنیم و با تکیه بر روش‌های نوین، دانش‌آموز قدرتمند بسازیم؛ دانش‌آموزی که یاد گرفته تعلیم و تربیت، آموزش و پرورش را در کنار هم دنبال و به رشد چند وجهی خود کمک کند.

معلم کنشگر با هدف ساخت بنایی با پی و زیربنای انسانی و اخلاقی، دست از تردید و ترس‌ها شسته و می‌خواهد که بسازد و کاری کند کارستان.

این بار به خودمان تبریک بگوییم و به دنبال دستیابی به افکار و ایده‌های نو، روز معلم دیگری را رقم بزنیم که در آن، طرحی نو دراندازیم.

هین سخن تازه بگو تا دو جهان تازه شود

وارد از حد جهان بی حد و اندازه شود

اعظم موسوی- فعال فرهنگی